

ترجمه و تبیین

مکاسب

شیخ الفقهاء مرتضیٰ انصاری (رحمة الله علیه)

www.ketab.ir

جلد اول

تبیین:

استاد محسن غرویان

محمود معتمدی

سرشناسنامه
عنوان قراردادی
عنوان و نام پدیدآور

غرویان ، محسن ۱۳۳۸ - ، مترجم و شارح .
المکاسب . فارسی - عربی . شرح
ترجمه و تبیین مکاسب شیخ الفقهاء مرتضی انصاری (رحمه الله علیه) / تبیین محسن غرویان ،
محمود معتمدی ترجمه و تبیین محسن غرویان ، محمود معتمدی
قم ؛ دارالفکر ، ۱۳۹۰

مشخصات نشر
مشخصات ظاهری

شابک دوره
شابک

وضعیت فهرست نویسی : فیبا
موضوع
موضوع

شناسه افزوده
شناسه افزوده

رده بندی کنگره
رده بندی دیویی
شماره کتاب شناسی ملی : ۱۱۳۳۴۱۴

ISBN : ۹۷۸-۹۶۴-۲۶۱۱-۵۳-۹ :
ISBN : ۹۷۸-۹۶۴-۲۶۱۱-۰۷-۲ :

انصاری ، مرتضی بن محمد امین ، ۱۲۱۴-۱۲۸۱ ق . المکاسب - نقد و تفسیر
معاملات (فقه) .
محمود ، مترجم و شرح
انصاری ، مرتضی بن محمد امین ، ۱۲۱۴-۱۲۸۱ ق . المکاسب - شرح
۸م۷۰۲۱ الف / ۱۷۱۳ / ۱۹۰ BP
۲۹۷ / ۳۷۲
۱۱۳۳۴۱۴



انتشارات دارالفکر
تاسیس ۱۳۳۶

مؤسس: مرحوم حضرت حجة الاسلام والمسلمین
آقای حاج سید عبدالحمید مولانا (ره)

ترجمه و شرح مکاسب محرمة (جلد اول)

مؤلف : شیخ مرتضی انصاری رحمته الله
مترجمین: آیت الله محسن غرویان - محمود معتمدی
ناشر : انتشارات دارالفکر
چاپخانه : نگین - قم
نوبت چاپ : هفتم - ۱۴۰۱
شمارگان : ۱۰۰۰ نسخه

شابک : ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۲۶۱۱ - ۰۷ - ۲ - ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۲۶۱۱ - ۵۳ - ۹

شابک : ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۲۶۱۱ - ۵۳ - ۹

دفتر مرکزی : قم ، خیابان شهدا (صفائیه) ، مجتمع تجاری صفائیه ، طبقه سوم

تلفن: ۳۷۷۳۳۵۴۴-۳۷۷۳۳۶۴۵ فاکس: ۳۷۷۳۸۸۱۴

دفتر تهران: خیابان انقلاب ، خیابان ۱۲ فروردین ، خیابان شهدای ژاندارمری ،

روبه روی اداره پست ، پلاک ۱۲۴ واحدیک تلفن: ۶۶۴۰۹۳۵۲ - ۶۶۴۰۸۹۲۷

www.darolfekr.com کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است info@darolfekr.com

هر گونه تکثیر از تمام یا قسمتی از این اثر بصورت حروفچینی یا عکسبرداری ، چاپ مجدد ، چاپ افست ، پلی کپی و انواع دیگر چاپ بدون اجازه کتبی ناشر شرعاً جایز نمی باشد و پیگرد قانونی به همراه خواهد داشت .

فروغ فقاها

نگاهی به راز و رمز موفقیت‌های شیخ اعظم انصاری (ره)

بجاست مقدمه کتاب را با نقل چند حکایت پندآموز از حیات پربار
فقیر و صوفی کم نظیر، مؤلف کتاب شریف «مکاسب» مزین کنیم:

نقل کرامت!

گویند روزی شیخ انصاری با جمعی از طلاب از شهر کوفه به نجف آمد، شب
هنگام پشت دروازه نجف رسیدند، درب دروازه را بسته دیدند و مجبور شدند تا
صبح - زمان باز شدن دروازه - پشت حصار شهر بخوابند. بامداد که خواستند به شهر
وارد شوند، یکی از همراهان به خدمت شیخ رسید و گفت: از بزرگان عرفا و مقدسان
قرنهای گذشته کرامتها نقل کرده‌اند، چرا شما دیشب کرامتی نشان ندادی تا درب
دروازه گشوده شود؟!

شیخ فرمود: صبر کن چند سال پس از مرگم کرامتها برای من خواهند گفت!

وضوی مادر هنگام شیردادن

مادر شیخ انصاری بانویی درس خوانده و مومنه و متعبده و از خاندان انصاریهای

دزفول بوده است، گویند سعی داشته که هنگام شیر دادن به فرزند بزرگ خود - مرتضی - با وضو باشد.

مرتضی از کودکی چنان شوق تحصیل داشته و با کوشش بسیار به درس و مطالعه مشغول بوده که کمتر به بازیهای بچگانه می پرداخته است، چنانکه در دهسالگی کوچه‌های نزدیک به خانه خود را نمی شناخته! گویند روزی پدرش خواست او را به جایی بفرستد که تا خانه آنها راه چندانی نبود، به پدرش گفت کوچه‌ای را که نام می‌بری نمی‌دانم کجاست! در حالی که در همان زمان روزی جمعی از طلاب مشایخ انصار که به لحاظ سن از او بسیار بزرگتر بودند، در اطاق شیخون در باره معنای کلمه آسنی بحث می‌کردند، مرتضای دهساله به آنها می‌گوید: اسنی یعنی روشنتر و توجه آنها را به شعر نصاب الصبیان ضیاء نور و سنی روشنی افق چه کران... جلب کرد و به مباحثه و قیل و قال آنها خاتمه داد.

تلاش و تقوی

شیخ مرتضی به روزگار نوجوانی طلبه‌ای پر کار و خوشفکر و خداترس بود، غالباً تانیمه شب به مطالعه و نوشتن در سهای خود مشغول بود، اول شب شام نمی‌خورد تا خوابش نیاید و پس از رسیدگی به دروس خود شام می‌خورد و مقداری از غذای خود را به پیرزنی کور و عاجز و مستمند که در نزدیکی خانه آنها، در بقعه پیر محمد جنب اطاق شیخ زندگی فلاکت باری داشت، می‌بخشید.

نبوغ

پدر شیخ انصاری، معروف به شیخ محمد امین به سال ۱۲۳۲ ه. ق برای زیارت کربلا و نجف اشرف به عراق رفت و فرزند هیجده ساله‌اش را با خود برد تا در آنجا که

از مراکز بزرگ علمی شیعه بود، دوره عالی فقه و اصول را ببیند و تحصیلات خود را کامل کند.

شیخ محمد امین در کربلا به خدمت سید محمد مجاهد که از فقهای بزرگ شیعه در آن زمان بود و ریاست حوزه کربلا را داشت، رسید. پس از معرفی خود، سید مجاهد احوال شیخ حسین (استاد نخستین شیخ انصاری) را که زمانی با هم در درس پدرش سیدعلی طباطبایی - صاحب ریاض - حاضر می شدند و با یکدیگر دوست و همدرس بودند، پرسید؟ شیخ محمد امین گفت: ایشان (شیخ حسین) برادرزاده من است و اکنون به تدریس فقه و اصول و تربیت طلاب مشغول است. سید مجاهد بر احترام آنها بیافزود و گفت: بجز زیارت معصومین علیهم السلام مقصود دیگری هم دارید؟ شیخ محمد امین پاسخ داد: فرزندم را برای استفاده از محضر مبارک شما آورده‌ام، و در این حال به شیخ مرتضی که در آخر مجلس نشسته بود، اشاره کرد. سید نگاهی خاص به شیخ مرتضی کرد؛ زیرا کمتر کسی با این سن و سال کم، می توانست از محضر درس استاد و فقیه بزرگ چون او استفاده کند! لذا برای آزمایش معلومات فقهی طلبه جوان مسأله‌ای پیش آورد و گفت: شنیده‌ام شیخ حسین در دزفول نماز جمعه می خواند در حالی که بسیاری از فقهای شیعه اقامه نماز جمعه را در زمان غیبت ولی عصر (عج) جائز نمی دانند! در این موقع شیخ مرتضی انصاری دلایلی در وجوب نماز جمعه در زمان غیبت آورد که سید مجاهد از تقریر دلایل و بیان مطلب او شگفت زده شد و به شیخ محمد امین رو کرد و گفت: این جوان نبوغ ذاتی دارد، او را به صاحب این قبه - یعنی بارگاه امام حسین علیه السلام - بسپارید. شیخ محمد امین به دزفول بازگشت و فرزندش برای ادامه تحصیل در کربلا ماند.

رضایت مادر

شیخ انصاری برای تکمیل تحصیلات خود، قصد می کند که از نجف خارج شود و

به سفر برود، اما والده شیخ با مسافرت او مخالفت می‌کند و می‌گوید طاقت دوری تو را ندارم! ظاهراً مادرش سختی راههای قدیم آنهم با کاروان، و صعوبت زندگی در سرمای شدید شهرهای خوزستان را در نظر داشته است و الا در مسافرت‌های شیخ به عتبات هیچگونه اظهار مخالفتی ننموده است.

شیخ انصاری با اینکه مادرش را فوق‌العاده احترام می‌کرده، در رفتن به مسافرت، اصرار بسیار می‌کند، لذا بنا بر استخاره با قرآن گذاشتند، آیه هفتم سوره قصص آمد:

﴿وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خِفْتِ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكِ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ﴾

به مادر موسی وحی کردیم که به فرزندت شیر بده، و اگر بر او می‌ترسی که از دشمنان در امان نباشد - او را هر سیدی بگذار - و بر آب بینداز و از آینده‌اش نگران مباش و غم مخور که ما او را به تو بازگردانیم و او را به مقام پیامبری رسانیم!

مادر شیخ که زنی باسواد و با معرفت بوده با دیدن آیه به مسافرت شیخ راضی شد.

عظمت علمی

شیخ انصاری در اصفهان بود. روزی برای شناختن علمای مشهور آنجا، به مجلس درس سیدمحمد باقر رشتی معروف به حجة الاسلام شفتی که ریاست حوزه علمی اصفهان را داشت، رفت و در آخر مجلس نشست. سید آن روز اشکالی علمی را که چند روز پیش مطرح ساخته بود، برای بار دوم بیان کرد، و منتظر جوابی از طرف فضلالی پای منبر شد. شیخ انصاری جواب اشکال حجة الاسلام شفتی را به یکی از طلاب نزدیک خود گفت و خود از جلسه درس بیرون رفت! آن طلبه که جواب شیخ را شنیده و یاد گرفته بود، موقع را مغتنم شمرده جواب اشکال حجة الاسلام شفتی را بیان کرد. سیدمحمد باقر که می‌دانست این طلبه اشکال را به این آسانی نمی‌تواند پاسخ گوید! به وی گفت: این پاسخ از تو نیست، یا ولی عصر حجة بن الحسن به تو

تلقین کرده و یا شیخ مرتضی^۱ به تو یاد داده است! طلبه گفت شخص عالمی که او را نمی‌شناختم، جواب اشکال را به من گفت و از مجلس رفت.

حجة الاسلام شفتی دانست که شیخ انصاری به اصفهان آمده، لذا چند نفر را برای پیدا کردن محل سکونت شیخ روانه کرد و پس از شناسایی آن محل، طلبه‌ای را نزد شیخ فرستاد تا او را از آمدن خود، برای دیدار وی آگاه سازد. شیخ مرتضی به پیغام آورنده گفت: خودم خدمت حجة الاسلام می‌رسم و فوراً به سوی مجلس سید محمد باقر روان شد. ولی در میان راه حجة الاسلام شفتی را دید که با جمعی از طلاب به طرف محل سکونتش می‌آیند. شیخ به سید محمد باقر و ملازمانش رسید و پس از سلام و احوالپرسی آنها را به اطاق خود برد. حجة الاسلام محل سکونت شیخ را که گویا کاروانسرای بی‌نپسندید و او را به خانه خود آورد. شیخ انصاری پس از یک ماه توقف در اصفهان، که میهمان حجة الاسلام بود و در مجلس درس او حاضر می‌شد، در صدد مراجعت به دزفول برآمد.

سید محمد باقر زمانی که شنید شیخ انصاری می‌خواهد به دزفول برود، به شیخ اصرار کرد که در اصفهان برای همیشه بماند، شیخ نپذیرفت. سید گفت کتابخانه خود را به تو می‌بخشم، در این شهر بمانید. شیخ گفت پدر و مادر پیری دارم که باید از آنها نگهداری کنم! سید که همچون یک حاکم سیاسی در اصفهان ریاست دینی و دنیایی داشت، گفت من امر می‌کنم نه تنها پدر و مادر شما را بلکه گل و خشت خانه‌تان را نیز به اصفهان بیاورند! اما شیخ اقامت در اصفهان را نپذیرفت و از آنجا به دزفول مراجعت کرد.^۲

۱. شهرت علمی شیخ انصاری نزد حجة الاسلام شفتی ظاهراً به سبب توقف سه ساله شیخ در کاشان و نزدیکی اصفهان به آن شهر و احترام فوق العاده‌ای بوده که ملا احمد نراقی نسبت به شیخ انصاری مبذول داشته است.

۲. ر. ک: زندگی نامه استاد الفقها شیخ انصاری (قده)، ضیاء الدین سبط الشیخ، کنگره جهانی بزرگداشت دوستمین سالگرد تولد شیخ انصاری (ره)، چاپ دوم، پاییز ۱۳۷۳.